

Research Article

The Requirements of Confronting the Factors Threatening Religious Identity in the Life and Words of Imam Ali with an Emphasis on Nahj al-Balagha

Mohsen Fekri Fallah¹

Amir Mohsen Erfan²

Received: 15/11/2022

Accepted: 03/04/2023



Abstract

Amir Momenan's (Imam Ali) identity-creating thought is so broad and rich that it deserves and is necessary to be considered as an ideal model to face identity threats in the present era. Therefore, this study has been organized with the aim of exploring the most important requirements for facing identity threats in the arena of religion based on the viewpoint of Imam Ali. The method of this research in content processing is explanatory-analytical, and according to the achievement or result of the research, it is of a developmental-applied type, and in terms of the type of data used, it is a qualitative research. The method of collecting data is library type and description is used in exploration. The findings of this article considers the

1. MA in Teaching History of Islamic Culture and Civilization, University of Islamic Education, Qom, Iran (corresponding author). mohsenfekrifallah@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic History and Civilization, University of Islamic Education, Qom, Iran. Erfan@Maaref.ac.ir.

* Fekri Falah, M., & Erfan, A. M. (1402 AP). The Requirements of Confronting the Factors Threatening Religious Identity in the Life and Words of Imam Ali with an Emphasis on Nahj al-Balagha. *Journal of Islam and Social Studies*, 10(40), pp. 71-100. DOI: 10.22081/JISS.2023.65292.1973

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

requirements of facing identity threats in the arena of religion in two areas: basic and approach requirements. "Cognitive deepening of religious identity", "natured explanation of religious identity" and "centeredness of right orientation in religious identity formation" are among the basic requirements, and "multidimensional approach" and "collectivism" are also considered as the approach requirements.

Keywords

Imam Ali, Identity, Religious Identity, Identity Threats, Nahj al-Balagha.

مقاله پژوهشی

الزامات مواجهه با عوامل تهدیدکننده هویت دینی در سیره و

کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه

امیرمحسن عرفان^۲

محسن فکری فلاح^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

©Author(s).



چکیده

اندیشه هویت‌ساز امیرمؤمنان علیه السلام آن‌چنان گسترده و پرمایه است که شایسته و لازم است به مثابه الگوی مطلوب مواجهه با تهدیدهای هویتی در روزگار کنونی مد نظر قرار گیرد؛ از این روی این پژوهش با هدف اکتشاف مهم‌ترین الزامات مواجهه با تهدیدهای هویتی در عرصه دین‌مبتنی بر نظرگاه امیرمؤمنان علیه السلام سامان یافته است. روش این پژوهش در پردازش محتوا، تبیینی - تحلیلی است و بر حسب دستاورد یا نتیجه تحقیق از نوع توسعه‌ای - کاربردی و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، یک تحقیق کیفی است. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و در استکشاف از توصیف بهره برده شده است. یافته‌های این مقاله الزامات مواجهه با تهدیدهای هویتی در عرصه دین را در دو ساحت الزامات مبنایی و رویکردی می‌داند. «تعمیق معرفتی هویت دینی»، «تبیین فطرت‌مند هویت دینی» و «محوریت حق‌مداری در هویت‌سازی دینی» از جمله الزامات مبنایی بوده و «نگرش چندبعدی» و «مجموعه‌نگری» نیز از الزامات رویکردی است.

کلیدواژه‌ها

امیرمؤمنان علیه السلام، هویت، هویت دینی، تهدیدات هویتی، نهج البلاغه.

۱. کارشناسی ارشد مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mohsenfekrifallah@gmail.com

Erfan@Maaref.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

✳ فکری فلاح، محسن؛ عرفان، امیرمحسن. (۱۴۰۲). الزامات مواجهه با عوامل تهدیدکننده هویت دینی در سیره و

کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۰(۴۰)،

DOI: 10.22081/JISS.2023.65292.1973

صص ۷۱-۱۰۰.

مقدمه و بیان مسئله

ارتباط میان هویت و دین در حیات بشر امری انکارناپذیر است و از میان تمام مؤلفه‌های هویت‌ساز، دین مهم‌ترین نقش را بر عهده دارد؛ زیرا هرچند می‌توان هویت را با مؤلفه‌هایی چند همچون قومیت، نژاد، ملیت و... پدید آورد، هویتی که پیوسته و حتی پس از مرگ قرین انسان است، هویت دینی است. پیوند عمیق و رابطه محکم دین با هویت به نحوی است که در فرایند هویت‌سازی، دین شأن مستقل و جایگاه قیاس‌ناپذیری نسبت به دیگر ساحت‌های هویت‌بخش دارد.

بازنگری و بازنگاری در مطالعات هویت‌پژوهی با تأکید بر رویکردی دینی و توجه به سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام به دلیل جایگاه خطیر هویت در ساحت فردی و اجتماعی امروزه بیش‌ازپیش احساس می‌گردد. در شرایطی که انتظارات فزاینده از دین در زمینه ارائه الگوی نمونه زیست مؤمنانه در جهت اثبات کارآمدی دین و تقویت «وجاهت دینی» به یک مطالبه جدی تبدیل گردیده است، توسعه علمی پژوهش‌های هویت‌مدارانه با هدف تحقق مبانی قوی و غنی برای این مهم امری ضروری می‌نماید.

از سوی دیگر بررسی و مطالعه دقیق سلوک رفتاری و اندیشه امیر مؤمنان علیه‌السلام در بازه زمانی حکومت به عنوان پیشینه شکوهمند و بی‌بدیل حکمرانی دینی، «الگوی هویت‌سازی مطلوب» را فراهم می‌آورد تا با کاربرست آن در جامعه بتوان «هویت موجود» را به «هویت مطلوب» رساند.

غفلت از اندیشه هویتی امیر مؤمنان علیه‌السلام نه بدان معناست که در میان اندیشمندان مسلمان، توافق علمی وجود ندارد، بلکه نشان از آن دارد که پژوهش لازم در این مورد هنوز انجام نگرفته و عزم وفاق علمی برای استخراج، ساختاربندی و گسترش دیدگاه تمدنی امیر مؤمنان علیه‌السلام به وجود نیامده است.

رسالت این پژوهش آن است تا با هدف برداشتن گامی در مسیر رسیدن به این الگوی دینی، به بررسی گفتار و رفتار امیر مؤمنان علیه‌السلام در راستای مواجهه با تهدیدات هویتی در عرصه دین پردازد و برای پاسخگویی به این پرسش سامان‌یافته است که اساساً در سلوک و اندیشه امیر مؤمنان علیه‌السلام در مواجهه با تهدیدهای هویتی چه الزاماتی قابل استخراج است.

نباید از نظر دور داشت که با هیچ‌یک از انگاره‌ها و چارچوب‌های نظری موجود در «جامعه‌شناسی سکولار» نمی‌توان به عمق کیفی نظرگاه امیر مؤمنان علیه السلام رسید. برای استخراج، کشف و گسترش نظرگاه امیر مؤمنان علیه السلام در عرصه هویت دینی باید در پی «مبانی نظری» متفاوت و مستقل بود که در نظام معرفتی اسلام ریشه داشته باشد؛ بنابراین در تبیین نظرگاه امیر مؤمنان علیه السلام نباید مرهون و وام‌دار هیچ‌یک از چارچوب‌های نظری موجود بود؛ بلکه نظرگاه هویتی آن حضرت در این زمینه، مستقل و به خویش متکی است.

۱. تبیین مفاهیم کلیدی پژوهش

پیش از ورود به بحث، بررسی و تبیین بنیان‌های مفهومی و مفاهیم محوری بحث امری ضروری است؛ از این روی کلیدواژه‌های این پژوهش، یعنی هویت، هویت دینی و همچنین تهدیدات هویتی تعریف و تبیین می‌شوند.

۱-۱. هویت

هویت در معنای لغوی، یعنی حقیقت و ماهیت چیزی؛ یا هویت پاسخ به پرسش چه کسی بودن و چگونه بودن است. هویت، یک واقعیت بلکه تمام واقعیت انسان است و انسان صرف نظر از هویت، واقعیتی ندارد. هویت اولیه و نهادینه شده «فطرت الله» سرآغاز فرایند هویتی انسان است و هویت نهایی در جریان مستمر زندگی و از طریق نوع رابطه‌ای که انسان با حق برقرار می‌سازد تعیین می‌شود و بستگی به انتخاب آزاد هر انسان دارد (علم الهدی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۶). آنتونی گیدنز درباره هویت معتقد است هویت به درک و تلقی مردم از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است مربوط می‌شود. این درک و تلقی‌ها در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که بر دیگر منابع معنایی اولویت دارند. برخی از منابع اصلی هویت عبارت‌اند از... ملیت یا قومیت و طبقه اجتماعی (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۴۵).

در مجموع هویت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: معرفتی آگاهانه که برابند اشتراکات و افتراقات گوناگون فرد و جامعه بوده و حس تعلق و تعهد را در پی دارد.

۲-۱. هویت دینی

ارتباط دیرین و انفکاک‌ناپذیر انسان و دین سبب می‌شود دین نقش اصیل و اصلی را در هویت‌بخشی به فرد و جامعه داشته باشد. رکن اصلی هویت دینی تعهد و پایبندی به دین بوده و هویت دینی نشان احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. احساس تعلق و اتکای افراد به نظامی الهی و دینی، سوگیری‌های رفتاری و گفتاری را تعیین می‌کند و موجب تمایز فرد یا جامعه دینی از «غیر» می‌گردد و هویت دینی را رقم می‌زند.

۳-۱. تهدیدات هویتی

هر اقدام بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی با هدف تأثیرگذاری بر اندیشه و تحمیل اراده که موجودیت و اهداف حیاتی فرد، نهاد یا کشور را به خطر بیندازد تهدید به شمار می‌رود (زرندی، یاری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۰). مقصود از تهدیدات هویتی در عرصه دین مجموعه خطرهای آسیب‌های بالقوه و بالفعلی است که با هدف ابهام و اغتشاش در مرزهای تعین و تمایزبخش دین ایجاد شده است.

نکته مهم در این زمینه «امکان‌پذیری رویارویی با تهدیدها» می‌باشد. به این معنا که مواجهه با تهدیدها نیازمند اتکا به امکان‌پذیری و قدرت عمل می‌باشد. تهدیدهای هویتی در عرصه دین به دلیل پیچیدگی و اتکا به قدرت نرم از ویژگی‌های بسیار زیاد و متنوعی برخوردار است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: چندوجهی بودن، آرام، تدریجی و زیرسطحی بودن، نمادساز بودن، پایدار و با دوام بودن، پرتحرک و جاذبه‌دار بودن و تردیدآفرین بودن.

۲. عوامل افزایش تهدیدهای هویت دینی پیش از حکومت امام علی علیه السلام

بررسی منطقه بحث و دقت در خاستگاه تشکیک‌ها و تشویش‌های ایجادشده در هویت جامعه حکایت‌گر قدرت و توان نفوذ بالای تهدیدات هویتی در جهت تغییر هویت جامعه اسلامی است؛ از این‌روی سه مؤلفه عوامل و شخصیت‌های تهدیدساز،

زمان تهدید و زمینه تهدید به مثابه سه محور تقویت کننده این تهدیدات مورد بررسی قرار می گیرند.

چنانچه عمیق بنگریم دستیابی به شناخت درباره الزامات مواجهه با عوامل تهدید کننده هویت دینی، مستلزم شناخت فضا و شرایطی است که هم زمان با جلوه گرشدن حکومت حضرت در جامعه وجود داشت؛ به عبارت دیگر پیش از تبیین مجاهدت ها و تلاش های حضرت در جهت هویت سازی، ضروری است عوامل تقویت کننده تهدیدهای دینی موجود در جامعه بررسی گردد.

جدول ۱. عوامل تقویت کننده تهدیدهای هویتی در عرصه دین

عوامل تقویت کننده تهدیدهای هویتی پیش از حکومت امیرمؤمنان علیه السلام		
<p>انریخشی زمان تهدید</p> <ul style="list-style-type: none"> • سرعت انقطاع هویتی • استمرار و بیوستگی تهدید 	<p>دینی جلوه دادن زمینه تهدیدها</p> <ul style="list-style-type: none"> • محدودیت سازی دینی برای سنت پیامبر • توجیه دینی تعلقات دنیایی • تبدیل «تعهدات دینی» به «توقعات از دین» 	<p>منزلت سازی برای شخصیت های تهدید کننده</p>

۱-۲. منزلت سازی برای شخصیت های تهدید کننده

نبود منزلت دینی و اجتماعی قابل توجه که در گفتمان خلافت به وضوح مشخص بود، سبب شد آرایش و کاربست اشخاص و چهره هایی که نزد عموم جامعه دارای مقبولیت بودند، در دستور کار قرار گیرد و از این افراد به مثابه هم اندیشگان گفتمان مذکور استفاده شود.

بررسی تاریخی بر می نماید که عایشه مهم ترین فردی بود که در این زمینه مورد تکریم و توجه بسیار قرار گرفت. به رغم اینکه فضیلت همسری پیامبر ﷺ امری

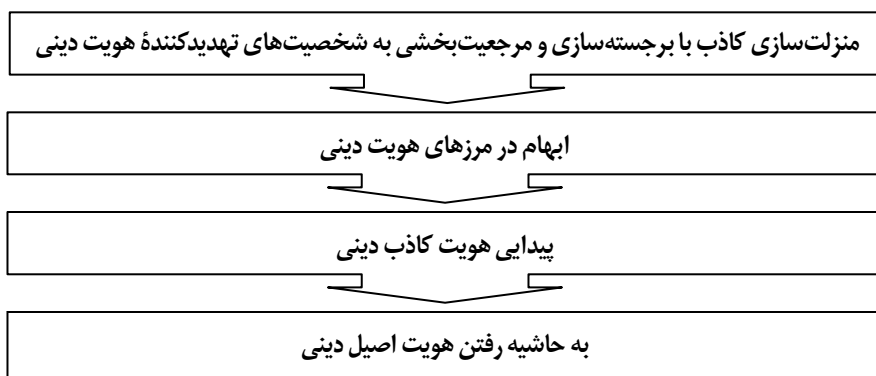
انحصاری و مختص عایشه نبوده و همسران دیگر پیامبر نیز در جامعه حضور داشتند؛ اما هیچ کدام مانند عایشه به کانون مراجعه دو خلیفه نخست در جهت گرفتن نظرات وی مبدل نگشتند (عسکری، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۸۷). مرجع سازی از او و برجسته سازی نقش وی در مقابل اهل بیت علیهم السلام به گونه ای سازمان دهی شده بود که در تمام ادوار خلفای ثلاث و تا زمان مرگش مستقلاً فتوی می داد (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۸۶). برای اینکه این قداست به طور کامل در اذهان مردم نقش بسته و بخشی از هویت دینی مردم را شکل دهد عمر و عثمان فرستادگانی به سوی او روانه می داشتند تا درباره امور مختلف از او اخذ رأی کنند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۵). گفتمان حاکم با کاربست واژه «ام المؤمنین» برای عایشه در دوران خلفای اول و دوم و سپس با توجه به قدسی سازی هایی که در مورد خلفا صورت پذیرفته بود، اضافه شدن عنوان «ابنه ابی بکر» وی را به *أَطْوَع النَّاسِ فِي النَّاسِ* (ابن عبد ربه، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۴) بدل سازد و او را به عنصری بسیار تأثیر گذار در شکل دهی به هویت جامعه تبدیل کند؛ همچنان که خود وی در مسیر پیکار جمل در نامه ای به صعصعه خود را این گونه معرفی می کند: «مِنْ عَائِشَةَ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبَةِ رَسُولِ اللَّهِ» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷۶). واکنش افرادی از قبیله ازد عمق تأثیر قدسی سازی از او را آشکار می سازد که می گفتند: سرگین شتر مادرمان بوی مُشک دارد! (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷۶).

گفتنی است زیر و طلحه از دیگر افرادی بودند که از کاربست شخصیت آنها برای فروریختن هویت دینی استفاده شد. معاویه در نامه های خود به زیر او را پسر عمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حواری و بازمانده او و داماد ابوبکر و جنگجوی مسلمانان خطاب می کند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۳۶) و حتی از عنوان «امیر المؤمنین» برای وی استفاده می کند، بیعت شامیان را به وی نوید می دهد و این نامه نیز مورد استقبال زیر قرار گرفته و از آن خشنود می گردد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۱). از سوی دیگر طلحه را خامس المبشرین بالجنه می خواند که در فضیلت از زیر کمتر نبوده و وی را نیز به قیام فرا می خواند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۳۶).

این نکته افزودنی است که مجموعه اقدامات جریان ضد دین در جهت شخصیت پروری کار را به جایی رساند که این قبیل افراد نه تنها باعث ابهام در مرزهای هویتی شدند؛ بلکه

خود به عنوان هویت‌سازان جامعه به مردم معرفی شدند. حارث بن حوط به امیر مؤمنان علیه السلام گفت: باور کنم که طلحه، زبیر و عایشه بر باطل گرد آمده‌اند؟ حضرت فرمودند: «ای حارث! به راستی که حق بر تو مُشْتَبِه شده است. به راستی که حق و باطل با مردمان شناخته نمی‌شوند؛ ولی حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی و باطل را بشناس تا کسانی را که آن را دنبال می‌کنند، بشناسی» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۰).

نمودار ۱. فرایندشناسی اثربخشی تهدید هویتی منزلت‌سازی برای شخصیت‌های کاذب



۲-۲. دینی جلوه‌دادن زمینه تهدیدها

۲-۲-۱. ظاهر بسندگی و محدودیت‌سازی برای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

واقعیت رویکرد حداقلی به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و محدودیت‌سازی برای آن را زمانی بهتر می‌شناسیم که به یاد بیاوریم که خلیفه دوم نگرش خود درباره روایات رسول الله صلی الله علیه و آله را این گونه اعلام می‌دارد: «روایت کردن از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را کم کنید، مگر در امور عملی» (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۰۷)؛ مانند اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه وضو می‌گرفت یا چگونه نماز می‌خواند؛ از این رو ابن عباس غیر از تفسیر آیاتی که درباره بهشت و جهنم و از این قبیل مسائل بود، به چیز دیگری نمی‌پرداخت (دلال موسوی، حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۹)؛ بنابراین اهتمام «عادت‌واره» و بدون بار ارزشی و انگیزشی به رعایت مناسک و اعمال عبادی، دین‌داری مطلوب گفتمان مسلط را شکل می‌داد.

به‌هر روی «رویکرد حداقلی» به احکام دین پیامدهای ناگواری برای امت اسلامی

داشت. از جمله آنها نفاق پروری و تظاهر به دین‌داری از یک سو و ایجاد اختلال در قدرت تمایز بین حق و باطل در میان آحاد جامعه از سوی دیگر بود. «فهم آگاهانه» عموم مسلمین از دین به اکتفا به بخشی از اعمال عبادی کاهش یافت و سبب شد در فتنه‌های پیش آمده در دوره‌های بعد روحیه دشمن‌شناسی امت با کوچک‌ترین ظاهرسازی‌هایی نظیر قرآن بر نیزه‌زدن لشکر معاویه با شکست مواجه شده و به خطا رود. امری که در بلندمدت ضربه‌های جبران‌ناپذیری به بدنه جامعه اسلامی وارد ساخت و افراد بسیاری را به گمراهی کشاند.

۲-۲-۲. توجیه دینی تعلقات دنیایی

از جمله بدعت‌هایی که نقش مستقیمی در هویت‌سازی کاذب برای مردم داشت تقسیم ناعادلانه بیت‌المال میان مسلمین بود؛ زیرا فرصت مناسبی برای طغیان‌گران فراهم ساخت. درحقیقت فاصله طبقاتی زمانی شروع شد که گفته شد نباید بین آنان که پیامبر را یاری رسانده‌اند و آنان که با او جنگیده‌اند برابری باشد و مبنای دیوان بیت‌المال را نه بر اساس برابری، بلکه بر اساس سابقه در اسلام قرار دادند (عرفان، ۱۳۹۸، ص ۱۲۵).

گفتنی است بلاذری در فتوح البلدان می‌نویسد به هر یک از بانوان پیامبر، سالیانه ده هزار درهم، به «عایشه» دوازده هزار درهم. به آنان که در جنگ بدر شرکت داشتند، هر یک پنج هزار درهم، به آنها که در بدر نبودند و در احد حضور داشتند، سالیانه چهار هزار درهم داده می‌شد (بلاذری، ۱۹۸۸م، ص ۴۳۳).

این تقسیم‌بندی به قدری نامتوازن بوده و شکاف طبقاتی ایجاد کرد که عمر بعدها گفت: «اگر امکان بازگشت به گذشته بود، زیادی اموال اغنیا را گرفته و آن را میان فقیران از مهاجرین تقسیم می‌کردم» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۲۶).

خطر این سنخ از دنیازدگی مشروع‌پنداری و توجیه آنها با ظاهری دینی و قرآنی بود که سبب می‌شد به راحتی چنین پنداری در شاکله هویتی مردم نقش ببندد و مخالفتی صورت نپذیرد. ابوالاسود نقل می‌کند: به همراه طلحه و زبیر به خزانه بیت‌المال بصره رفتم و همین که چشمان آن دو به اموال بیت‌المال دوخته شد، گفتند این همان چیزی

است که خدا و پیامبرش به ما وعده داده‌اند و سپس این آیه قرآن را خواندند که «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ» (فتح، ۲۰) و این گونه بهره‌برداری اختصاصی از این اموال را برای خود مجاز دانستند و گفتند: «نحن احق بهذا المال من كل احد» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۰۱) و این آیه را به نفع خود تأویل کردند (ریاحی، موسوی، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

۲-۳. تبدیل «تعهدات دینی» به «توقعات از دین»

رویکرد سهم خواهی دینی از بیت‌المال در جامعه نهادینه شده بود تا اندازه‌ای که در دوران حکومت امیر مؤمنان علیه السلام سنت تقسیم عادلانه بیت‌المال مورد اعتراض گروهی واقع گردید و گفتند: «تو در تقسیم اموال، برخلاف شیوه عمر بن خطاب، رفتار کردی، سهم ما را مانند سهم دیگران قراردادی و میان ما و آنان که مانند ما نیستند، مساوات برقرار کردی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۲۱).

آنچه محل تأکید است این بود که نگرش امتیازخواهانه و انحصارطلب باعث می‌شد افراد، خوانشی اشرافی از دین را ارائه می‌دادند. همین توقع از دین را می‌توان در جریان افراد دیگر نیز مشاهده نمود. به موازات نهی و منع شدید از نقل حدیث، عنایت و توجه به قاریان در دستور کار قرار گرفت و جایگاه اجتماعی سیاسی خاصی را برای قاریان رقم زد. این شخصیت‌بخشی به آنان به پدید آمدن گروهی بزرگ از قاریان هوادار سنت عمر منجر شد که در تحولات پیش رو تأثیر فراوانی داشت (ثنائی، مجتهدی، ۱۳۹۷، ص ۵۸)؛ قاریانی که از سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام خارج شدند ریاست کسی چون عمر را شرط بیعت خود اعلام کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۷۱).

برتری و اولویت دنیا بر آخرت در «هندسه هویتی» افراد سبب شد اقبال و پذیرش به سمت گفتمانی باشد که با دنیای آنان موافق است و دینشان را به نابودی می‌کشاند. و رفته رفته کار را به جایی می‌رساند که فرد در مقابل امام می‌ایستد و با امام مبارزه می‌کند. زبیر که روزی به دفاع از ولایت برخاسته بود در شروع جمل به امام می‌گوید: «ولا أراك لِهَذَا الْأَمْرِ أَهْلًا، ولا أُولَى بِهِ مِنَّا» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۵۰۸). عبد الله بن بدیل بن ورقاء

خزاعی، در جنگ صفین به حضرت عرض کرد: «ای امیر مؤمنان! اگر این مردم خدا را می‌خواستند یا برای خدا کار می‌کردند، با ما به مخالفت بر نمی‌خاستند؛ ولی اینان می‌جنگند برای گریز از برابری در تقسیم بیت‌المال و از سر مال دوستی و تنگ‌نظری و انحصارطلبی، و ناخوش داشتن از دست‌دادن دنیایی که در اختیارشان است» (منقری، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۲).

۲-۳. اثربخشی زمان تهدیدها

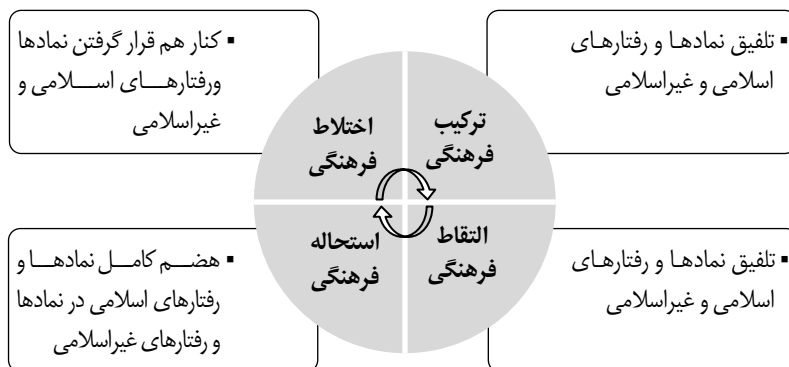
۲-۳-۱. سرعت انقطاع هویتی

نباید کتمان کرد که تهدیدات ایجادشده در بازه زمانی نزدیک‌تر به شروع هویت‌سازی دینی در زمان رسول‌الله ﷺ با توجه به ویژگی فرایندی هویت‌سازی خطرات بیشتری را در پی دارد. هجوم بی‌درنگ جریاناتی که اصل امامت و ولایت را در نظام هویتی جامعه بر نمی‌تابند سبب «انقطاع هویتی» در جامعه شده و تحول ارتقائی آغازشده در زمان رسالت را به تغییری قهقرایی تبدیل کرد. طیف وسیعی از جامعه اسلامی که هنوز به فهم آگاهانه‌ای از دین دست نیافته بودند در این حین به خوانش قبیلگی از هویت رجوع کرده و قرائت دینی از هویت را به حاشیه راندند. نحوه مواجهه سران جریان خلافت با رحلت رسول‌الله ﷺ (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۴) و در ادامه حوادث پس از آن از یک‌سو ظهور یک کمبود هویتی در جامعه اسلامی را پدید آورد و از سوی دیگر هرگونه اقدام افراد و گروه‌های دیگر در راستای تصمیم‌گیری در زمینه رهبری جامعه را با اختلال مواجه ساخت.

آن‌سان که ملاحظه می‌گردد، درهم‌آمیختگی «فرهنگ اسلامی و بدعت‌ها» یک تهدید بزرگ هویتی برای دین اسلام پس از رحلت رسول‌الله ﷺ بود که با تفاوت در شدت و ضعف، واقعیتی انکارناپذیر است. «اختلاط فرهنگی» کمترین و کم‌آسیب‌ترین حد درهم‌آمیختگی فرهنگی بود. و در مراتب بعدی «ترکیب فرهنگی»، «التقاط فرهنگی» و «استحاله فرهنگی» قرار داشت. کسانی که فرهنگ اسلامی را فاقد بار عقیدتی می‌دانستند و خاستگاه اعتقادی برای آن قائل نبودند، آمیزش فرهنگ اسلامی با

بدعت‌ها را امری طبیعی تلقی می‌کردند. از نظر گاه امیر مؤمنان علیه السلام نمی‌توان حذف هویت دینی را امری طبیعی دانست و در برابر آن به تدبیر و اقدام نپرداخت.

نمودار ۲. سطوح درهم‌آمیختگی فرهنگی به‌منابۀ تهدید هویت دینی



۲-۳-۲. استمرار و پیوستگی تهدیدها

طبیعی می‌نماید که الگوگیری متوالی و اثرپذیری تهدیدات هویتی و استمرار زمانی آن؛ بیانگر هم‌سنخی و اشتراک هدف این تهدیدات است. معاویه در راستای ایجاد بحران هویتی در جامعه در نامه‌ای که به زبیر نوشته است با نادیده‌انگاری وجود اصل ولایت و امامت در جامعه مردم را به گوسفندانی تشبیه می‌کند که به سبب نبود چوپان پراکنده شده‌اند و نیازمند شخصی هستند که امر امت را به سامان رسانده و از پرتگاه در حال ریزش نجات بخشد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۳۶). این تلقی از فضای جامعه که با هدف مشروعیت‌زدایی آشکار از حکومت امام صورت گرفته بود، در حقیقت القاء خلأ هویتی در جامعه بود و یادآور نوع واکنشی است که خلیفه دوم در مواجهه با رحلت رسول‌الله و پس از آن (بعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۴) از خود نشان داده است. نمونه دیگر این تجانس و تشابه تهدیدات در جریان دو قطبی‌سازی‌های کاذب نظیر دو قطبی عرب و عجم است که سلیم بن قیس نقل می‌کند: معاویه به زیاد بن ابیه نامه نوشت و درباره رفتار با موالی به او چنین توصیه کرد «با موالی و عجم‌هایی که مسلمان شده‌اند به شیوه

عمر بن خطاب رفتار کن که این شیوه آنان را خوار و فرومایه خواهد کرد؛ زیرا عرب از آنان زن خواهد ستاند، ولی به آنان زن نخواهد داد» (هلالی سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ص ۷۴۰).

۳. الزامات مواجهه با تهدیدهای هویت دینی از نظرگاه امیر مؤمنان علیه السلام

تنوع و پیچیدگی این تهدیدات مواجهه و مقابله‌ای هوشمندانه را طلب می‌کند و ضرورت‌ها و بایسته‌هایی که در این بخش از فرایند هویت‌سازی مدنظر قرار می‌گیرد باید ذوابعاد و همه‌جانبه باشد. بر همین اساس می‌توان الزامات مدنظر حضرت را در دو ساحت الزامات مبنایی و الزامات روشی تقسیم‌بندی کرد.

۳-۱. الزامات مبنایی و بنیادین

مواجهه با تهدیدهای هویتی در عرصه دین بر یک سلسله اصولی مبتنی است که نقش بنیادینی در این تقابل دارد. رعایت این اصول به مثابه یک الزام، نقش اساسی در صیانت هویتی دین دارد. لازم به یادآوری است بحران شکل گرفته در عرصه هویت دینی در روزگار معاصر نیز به جهت نبود رعایت این اصول است. از دیدگاه حضرت سه عنصر «معرفت‌دهی»، «ابتنای بر فطرت» و «حق‌مداری» مهم‌ترین عوامل بنیادین صیانت از هویت دینی در برابر تهدیدهای هویتی می‌باشد.

۳-۱-۱. تعمیق معرفتی هویت دینی

یکی از مسایل و مشکلاتی که در مسیر تعالی جامعه وجود دارد مردمانی هستند که بدون فهم آگاهانه به همنوایی با دیگران اقدام می‌نمایند. امام از این گروه به «همج رعاع» (فرومایگانی به هر سو رونده) تعبیر می‌کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۹). اشخاصی که با کوچک‌ترین گمان و خیالی پیروی از شخصی را رها و از دیگری تقلید می‌کنند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱۰ و ۱۸، ص ۳۴۸). خطر وجود چنین افرادی در جامعه از این حیث است که این بی‌معیاری و بی‌هویتی، می‌تواند هویت یک جامعه را به پرتگاه تباهی بکشاند کما اینکه در موارد متعددی در تاریخ این ویژگی مشکل‌آفرین بوده و امت را دچار

بحران و مصیبت نمود تا حدی که امام حسین علیه السلام به دست مردمی شهید شد که اکثریتشان همج راع بودند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۳۰، ص ۳۴۲). در ساحت معرفت افزایی دو اقدام انجام می شود. اولین مورد شناساندن جایگاه امامت در گفتمان دینی و تبیین نقش حیاتی آن در هویت سازی و مورد دوم معرفی اهل بیت علیهم السلام به عنوان مصادیق واقعی و حقیقی آن است. هویت هر قوم، گروه و جامعه ای با امام پیروی شده آنها شناخته می شود و در واقع این امام است که معرف آن گروه است. این پیوند امری است جدایی ناپذیر به نحوی که در قیامت نیز هر گروهی با امامشان خوانده می شوند. خداوند متعال در سوره اسراء آیه ۷۱ می فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» به همان اندازه که یک رهبر الهی و عالم و صالح، راه وصول انسان را به هدف نهایی، آسان و سریع می کند، تن دادن به رهبری ائمه کفر و ضلال، او را به پرتگاه بدبختی و شقاوت می افکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۲۰۳).

کلیب جرمی به نمایندگی از قومی از اهل بصره به خدمت حضرت آمد و پس از روشن شدن حقیقت و برطرف شدن شبهه، به این دلیل از بیعت خودداری کرد که نماینده گروهی است و بدون تصمیم جمعی با آنها نباید به این امر اقدام کند. حضرت در پاسخ به وی فرمود: «اگر افرادی تو را به جلوداری خویش به جست و جوی تالابها می فرستادند و تو از نقاطی باخبرشان می کردی که آب و گیاه یافته ای، و آنان به مخالفت با تو، راهی سرزمین های خشک و تشنگی زا می شدند، تو چه می کردی». گفت: رهایشان می کردم و خود به سرزمینی روی می آوردم که دارای آب و گیاه باشد. فرمود: «پس برای بیعت اقدام کن» (معاذیخواه، ۱۳۷۹، ص ۱۹۸) آن مرد گفت: به خدا سوگند چنان برهان روشنی بر من اقامه شد، که امکان مخالفت نداشتم و بیعت کردم (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹).

در هویت سازی دینی هدایت مطلوب زمانی به ثمر می نشیند که پیروی و تبعیت مردم را همراه داشته باشد و اگر این مهم در جامعه رخ ندهد مطلوب کانونی محقق نخواهد شد چرا که بر اساس کلام حضرت زهرا علیها السلام «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲ و ۳۶، ص ۳۵۳) جایگاه امام همانند جایگاه کعبه است و این مردم هستند که باید به امام روی بیاورند.

تعبیر از «امامت» به سازمان‌دهنده (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۴۴) در روایت‌های مختلف نشان جایگاه محوری امامت در گفتمان دینی است. حضرت زهرا علیها السلام امامت را نظام‌دهنده و ایمنی‌بخش از پراکندگی معرفی می‌فرماید: «طاعتنا نظاما و إمامتنا أمانا من الفرقة» (ابن طیفور، بی‌تا، ص ۲۸). امامت در گفتمان سیاسی اسلام در واقع این کار ویژه ثبات‌ساز را در فرایند مدیریت بحران نیز ایفا می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۳، ص ۴۳۷).

امام در خطبه‌ای می‌فرماید: «لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ»؛ هیچ‌یک از این امت با آل محمد صلی الله علیه و آله طرف مقایسه نبوده و کسانی که همیشه از نعمت و بخشش (معارف و علوم) ایشان بهره‌مندند با آنان برابر نیستند (پس چگونه خود را بر اینان ترجیح می‌دهند و مردم را بسوی خویش می‌خوانند، و حال آنکه آل محمد صلی الله علیه و آله اساس و پایه دین و ستون ایمان و یقین هستند (نهج‌البلاغه، خطبه ۲).

این معرفت‌افزایی علاوه بر تعیین بخشی به هویت دینی جامعه تمایزبخشی معیار را نیز ارائه می‌بخشد؛ زیرا بر اساس آیه شریفه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء، ۷۳) کسی که نیازمند به هدایت است تا مهتدی نگردد، امام نخواهد بود کسی که محتاج به هدایت غیر نیست و به طور مستقیم از خدای سبحان فیض دریافت می‌کند می‌تواند امام باشد. پس امام نه تنها معصوم است، بلکه محتاج غیر هم نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۲).

۳-۱-۲. تبیین فطرت‌مند هویت دینی

فطرت و طبیعت به منزله خاستگاه نزاع گفتمانی دینی و غیردینی رهروان خویش را به سمت مطلوب خود سوق می‌دهند؛ به گونه‌ای که فطرت انسان او را به سمت خلافت الهی سوق می‌دهد و طبیعت حس‌گرا و رفاه‌طلب او را از سمت خلافت خدا گریزان و به سمت خلافت شیطان می‌کشاند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۳۱).

لازم به یادآوری است که بر اساس هستی‌شناسی خاص انسانی، فطرت، بینش شهودی انسان به هستی محض و گرایش آگاهانه و تمایل شاهدانه به درگاه خداوند است. تقابل فطرت انسان با طبیعت وی بدین صورت است که طبیعت انسان امری عینی و

متغیر است و مربوط به بدن و فطرت انسان امری ثابت و مرتبط به روح انسان است (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۳).

نباید از نظر دور داشت که انسان به‌مثابه یک کنشگر فرهنگی و تمدنی از نظرگاه امیر مؤمنان علیه السلام تنها بر پایه «منطق منفعت» نمی‌اندیشد و عمل نمی‌کند، بلکه قادر است از سرشت الهی خود الهام گرفته و «منطق فطرت» را در پیش گیرد. از دیدگاه حضرت علیه السلام بعثت پیامبران برای این بوده تا از مردم بخواهند که آن عهد را که خلقشان بر آن سرشته شده به جای آورند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱).

نکته اساسی قابل ذکر این است که مدیریت صحیح فطرت و طبیعت اقتضا آن دارد که انسان «فطرت» خویش را امام و «طبیعت» را مأموم قرار دهد؛ زیرا درجه وجودی فطرت انسانی بر طبیعت او مقدم است. تقدم فطرت بر طبیعت را می‌توان به‌صورت حیات‌یابی طبیعت از فطرت و حیات‌بخشی فطرت به طبیعت یاد کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷).

امام چالش اصلی هویت‌طلبی جوامع را این‌گونه معرفی می‌فرماید: «بدانید که اگر حقیقت خالص گردد، اختلافی نخواهد بود و اگر باطل تنها باشد، بر خردمندان پنهان نمی‌ماند؛ لیکن پاره‌ای از این و پاره‌ای از آن، گرفته می‌شود» (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ص ۷۱۹). اگر ارزش‌های مطلوب فطرت‌محور، نظام معنایی حاکم بر کنشگری عاملان اجتماعی را تشکیل دهند، در آن صورت می‌توان ثبات هنجاری و تفاهم فرهنگی در جامعه را انتظار داشت (نظری، ۱۳۹۵، ص ۲۱۹).

در نتیجه بناکردن ارزش‌ها بر فطرت مشترک، «نظام معنایی» مشترکی را می‌آفریند که به حل اختلاف‌ها و تعارض‌های اجتماعی کمک فراوانی می‌کند. کرامت انسانی از جمله ارزش‌های فطری است که رابطه مستقیمی با هویت افراد در جامعه دارد. کرامت‌بخشی و ارتقا شخصیت در سیره حکومتی امام با محوریت احادیث نبوی صورت پذیرفت. امیر مؤمنان علیه السلام در فرمان خود به مالک می‌فرماید:

برای کسانی که نیازمند مراجعه به تو هستند، قسمتی از وقت خود را قرار ده که شخصاً آماده پذیرفتنشان باشی ... تا سخنگویان بی‌هیچ لرزشی و لکنتی، با تو

سخن بگوید که من از رسول خدا ﷺ بارها شنیدم که می‌فرمود: «هیچ امتی که در آن با صراحت و بی‌لکنت، حق ضعیف از قوی باز گرفته نشود، از ستم پاک‌سازی نگردد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

در جامعه طبقاتی شده مسلمانان «موالی» پایین‌ترین قشر جامعه را تشکیل می‌دادند و این برخلاف امت محوری مدنظر اسلام بود؛ بنابراین وقتی که امام ﷺ کوفه را پایتخت قرار داد، آن نظام را به کلی درهم شکست و در هیچ امری بین عجم و سران قریش و شیوخ قبایل عرب و نامداران صحابه فرق نگذاشت و این کار بر قشرهای نژاد عرب بسیار گران آمد (عسکری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۳۵).

از منظر امیرالمؤمنین ﷺ همه کسانی که دین اسلام را پذیرفته بودند، در یک رتبه و درجه قرار داشتند؛ همگی بنده خداوند بودند و عدالت حکم می‌کرد اموال اضافه بیت‌المال که مصرف خاصی ندارد به‌طور مساوی در میان آنان تقسیم شود. سبقت در اسلام و کسب فضایل معنوی اموری هستند که فقط در آخرت پاداششان داده خواهد شد (حاجی‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۶۰).

۳-۱-۳. محوریت «حق‌مداری» در هویت‌سازی دینی

ازجمله دلایل مخالفت‌ها با امام، تفاوت بنیادین نگرش‌ها در مورد حکومت و تضادی اصولی در انگیزه‌ها و هدف‌ها بود. بسیاری از افرادی که در خیزش علیه عثمان به نقش آفرینی پرداختند، آرمانشان احیای سنت نبوی نبود و اساساً دغدغه‌ای از جنس دین در نظرشان وجود نداشت؛ بلکه انحصارطلبی‌های حزبی بنی‌امیه آنان را به ستوه آورده بود. چنین بود که امام ﷺ فرمود: «لَیْسَ أَمْرِي وَأَمْرُكُمْ وَاحِدًا. إِنِّي أَرِيدُ كُمْ لِلَّهِ وَأَنْتُمْ تُرِيدُونَ نِيَّي لِنَفْسِكُمْ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۶).

ازجمله وجوه تمایز گفتمان دینی با دیگر گفتمان‌ها در این است که هرگز حقیقت فدای مصلحت و منفعت‌های ظاهری نمی‌گردد. عمل به ارزش‌های الهی و اجرای اوامر الهی معامله‌پذیر نیست. هویت برساخته از اصول دینی پایبندی به حق و حقیقت را در میدان عمل نشان می‌دهد و اجازه نادیده‌انگاری ارزش‌ها را نمی‌دهد.

امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف رویکرد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «المعلن الحق بالحق» (نهج البلاغه، خطبه ۷۱) رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام در مواجهه با معاویه بر اساس همین مبنا انجام پذیرفت: به خدا سوگند که معاویه هوشمندتر از من نباشد، اما از پیمان شکنی و هرزگی باکی ندارد و اگر ناپسندی پیمان شکنی نبود، من از تمامی مردم هوشمندتر بودم، اما هر پیمان شکنی نوعی هرزگی، و هر هرزگی گونه‌ای کفر است و هر عهد شکنی در روز قیامت با درفشی ویژه افشا می شود (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱).

امام در فرازی دیگر می فرماید: «حَقٌّ وَ بَاطِلٌ وَ لِكُلِّ أَهْلٍ»؛ این جریان همیشگی حق و باطل است که هر کدام را اهلی است. اگر باطل قدرت و فرمانروایی بیابد، رویدادی تازه نباشد و سابقه‌ای دراز دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

امام در تمام دوران حکومت خویش به بازگرداندن ارزش‌های جامعه به مسیر حقیقت اقدام نمود و حتی در میدان نبرد می فرمود: «تا زمانی که آنها نبرد را شروع نکرده‌اند با آنان جنگ نکنید؛ زیرا بحمدالله شما بر بهرانی روشن هستید و دست نگاه داشتن شما از جنگ تا اینکه آنان نبرد را شروع نمایند، حجتی دیگر است به سود شما و بر زیان ایشان (منقری، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳).

این منش امام کاملاً یادآور سیره و روش رسول الله صلی الله علیه و آله بود؛ به گونه‌ای که پس از جنگ جمل کلی نقل می کند: «به ابوصالح گفتم چگونه در جنگ جمل، پس از آن که امیر مؤمنان علیه السلام پیروز شد، بر بصریان، شمشیر ننهاد؟ پاسخ داد: نسبت به همه آنان با همان گذشت و بزرگواری رفتار کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه، رفتار کرده بود که هدایت آنان را در نظر داشت» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۸۱۰، ص ۲۴۷).

در گفتمان دینی اساساً ارزش‌ها و هنجارها جز از طریق حق اقامه نمی گردد و پیروزی به غیر طریق حق پیروزی نیست (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷). و مطابق همین قاعده کلی وقتی برخی از یاران امام، از حضرت خواستند مقداری بیش تر از بیت المال به اشراف عرب و قریش و آنان که بیم مخالفت و جدایی شان می رفت، ببخشند تا اوضاع روبه راه شود. امیرمؤمنان علیه السلام به شدت در برابر این انحراف ایستادگی نمود و فرمود:

آیا برآیند که مرا وادارید یاری بطلبم به ظلم و ستم بر کسی که زمامدار او

شده‌ام؟ سوگند به خدا این کار را نمی‌کنم مادامی تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان، پیاپی هم (هرگز چنین نخواهم کرد) (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶).

۲-۳. الزامات رویکردی

رویکرد نقش اساسی در مواجهه با تهدیدهای هویتی در عرصه دین دارد. رویکردها تعیین‌کننده سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان در هویت‌سازی هستند. اگرچه رویکردها دارای ثبات و دوام قابل توجهی هستند، به هر حال امکان تغییر آنها وجود دارد. در اندیشه امیر مؤمنان علیه السلام در مواجهه با تهدیدهای هویتی در عرصه دین رویکرد چندبعدی به هویت‌سازی و دوسطحی‌دیدن هویت‌سازی و رویکرد مجموعه‌نگر از الزامات هویت‌ساز در این زمینه است.

۱-۲-۳. نگرش چندبعدی به هویت دینی

رویکرد امیر مؤمنان علیه السلام به مقوله هویت دینی چندبعدی است. امیر مؤمنان علیه السلام در نهج‌البلاغه با روش‌های متعدد در صدد تبیین و صیانت از هویت دینی هستند. امیر مؤمنان علیه السلام در نهج‌البلاغه از علت‌های پیدایی تهدیدهای هویتی نیز کلامی به میان آورده است. رویکرد آن حضرت در این زمینه رویکرد «تعلیلی»^۱ است. برای نمونه یکی از مهم‌ترین بسترهای تهدیدکننده هویت دینی از نظر گاه امیر مؤمنان علیه السلام آسیب «اشرافیت دولتی» است. یکی از وجوه آشکار و متمایزکننده نظر گاه امام حساسیت فوق‌العاده در برابر وضع مالی هیئت حاکمه است. این تأکید از این جهت است که اشرافیت دولتی و تجمل‌گرایی حاکمان «گسست میان طبقه حاکم و مردم» را فعال می‌کند. شواهد فراوان تاریخی در تمدن اسلامی گواه این مهم است. امیر مؤمنان علیه السلام در نامه ۴۵ نهج‌البلاغه به عثمان حنیف وضع مالی حاکم را در حد پایین‌ترین اقشار درآمدی جامعه می‌داند. در این نامه آمده است: اکنون امام شما از همه دنیایش به دو تن پوش

1. explanational

کهنه و از همه طعماش به دو قرص نان اکتفا کرده است. در خطبه ۲۱۵ نهج البلاغه نیز حضرت برخورد با مطالبه مالی عقیل را بیان می‌دارد.

سخن از آثار و برکات و کارکردهای قوام هویت دینی یک رویکرد «کارکردی»^۱ است. برای نمونه امیر مؤمنان علیه السلام «حق‌مداری» را یکی از مهم‌ترین برون‌دادهای شکل‌گیری حکومت دینی می‌داند. التزام به حق، شیوه سخن‌گفتن را تغییر می‌دهد و گفتگو را به نحوی اثربخش تضمین می‌کند. همین التزام به حق‌مداری است که آن حضرت در برابر مردم اقامه استدلال کرده، آنها را به تأمل و تفکر و نظارت بر احوال حکومت فرا می‌خواند. گواه این مهم نامه‌ای است که هنگام عزیمت به جنگ جمل خطاب به مردم کوفه نوشته شده است. حضرت در این نامه می‌نویسد:

من از جای قبیله خود (از مدینه بعزم بصره) بیرون آمدم؛ درحالی که (نزد کسی که با حقیقت آشنا نبوده امام زمانش را نمی‌شناسد) یا ستمگرم یا ستمگر دیده، و یا گردن‌کش و یا رنج برده. در هر صورت من خدا را به یاد کسانی می‌آورم که نامه‌ام به آنان می‌رسد که به جانب من بیایند، تا اگر نیکوکارم یاریم دهند، و اگر بدکارم مرا به بازگشت به راه حق وادارند (نهج البلاغه، نامه ۵۷).

این شیوه از سخن‌زمانی کارگشا است که حاکم از حقانیت خویش آگاه است. البته باید تأکید داشت که هیچ حکومتی در طول تاریخ حیات و اندیشه آدمی به اندازه حکومت کوتاه امیرمؤمنان علیه السلام، بر ادبیات حکمرانی تأثیر نداشته است (پورعزت، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

رویکرد امیر مؤمنان علیه السلام از حق و حدود نقش مردم در پایداری و استمرار هویت دینی یک رویکرد «هنجاری»^۲ است. از دیدگاه حضرت مهم‌ترین عامل بازدارنده بی‌ثباتی‌های ناشی از عاملین تهدیدکننده هویت دینی افزایش سطح شعور و بلوغ اجتماعی مسلمانان است. هویت دینی بدون وجود یاران صالح و بلوغ اجتماعی مسلمانان تحقق عینی نمی‌یابد. امام علیه السلام در خطبه ۱۶۵ نهج البلاغه عامل سروری باطل

1. functional

2. normative

را سستی مردم می‌داند و می‌فرماید: «ای مردم اگر از یاری حق باز نمی‌نشستید و در خوار کردن باطل سستی نمی‌ورزیدید؛ کسانی که هم‌پایه شما نبودند در شما طمع نمی‌کردند».

تیین ضعف‌ها و کاستی‌ها در عرصه هویت‌سازی یک رویکرد «انتقادی»^۱ است. امیر مؤمنان علیه السلام «ایمان‌گری بدون عمل» و به عبارتی «عمل‌گریزی» را از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده هویت دینی می‌داند. از نظرگاه ایشان یکی از مصداق‌های احیای تفکر اسلامی، زدودن همین تلقی ناصواب و کج‌فهمی مسلمانان از دین اسلام است. امیر مؤمنان علیه السلام تأکید می‌کند که نباید از کسانی باشیم که امید به آخرت دارند بدون عمل (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۲).

رویکرد امیر مؤمنان علیه السلام به آینده هویتی مسلمانان یک رویکرد «آینده‌شناسانه»^۲ است. تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده جهان اسلام هدایت‌گر هویت دینی در زمان غیبت است. تأکید بر مراتب خردمندی و عقلانیت مردم و انسجام و وحدت دین‌داران در حکومت جهانی بیانگر چشم‌اندازهای هویت دینی در این زمینه است. امام علیه السلام در خطبه ۱۵۰ می‌فرماید: «بدانید که آن شخص از ما (مهدی) که آن فتنه‌ها را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش صالحان رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را گرد هم آورد...».

جدول ۲. ابعاد رویکرد به هویت دینی از نظرگاه امیر مؤمنان علیه السلام

ابعاد رویکرد هویت دینی				
انتقادی	تعلیلی	کارکردی	هنجاری	آینده‌شناسانه

1. critical
2. futurological

۲-۲-۳. دوسطحی‌دیدن هویت دینی

نظرگاه امیرمؤمنان علیه السلام، در عرصه هویت‌سازی دوسطحی است؛ به این معنا که آن حضرت هم به ساحت «نظری محض» و «انتزاعی» و «بنیادی» نظر داشته‌اند و هم به ساحت «عینی» و «کاربردی». در چارچوب نظریه ایشان، نه از هیچ‌یک از این دو ساحت غفلت شده و نه هیچ‌کدام از آنها بر دیگری غلبه و ترجیح یافته است. امیرمؤمنان علیه السلام از نادر کسانی در صدر اسلام بود که در عمل صیانت از هویت دینی را در متن جامعه اجرا کرد.

حکومت کوتاه امیرمؤمنان علیه السلام نمونه عینی و کاربردی کاربست اندیشه و نظر آن امام در عرصه مواجهه با تهدیدهای هویتی بود. در پنج سال حکومت، همه جنگ‌های او داخلی و در برابر تحریف‌های دینی، کج‌روی‌های فرهنگی و بدعت‌گذاری‌های اعتقادی و اجتماعی بود. قلمرو حکومت وی هرگز توسعه جغرافیایی نداشت و صرفاً در پی غنابخشیدن به محتوای فرهنگی اسلامی بود و نقش الگویی او مصروف در صیانت از هویت اسلامی شد.

تبعیض در پرداخت مالی، سبب شد طبقه‌ای ثروتمند که به طور عمده از اصحاب باسابقه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند، در جامعه پدید آید. توجیحات دینی برای این تبعیض‌ها تهدیدی کلان برای هویت دینی بود. آنچه به این تهدید هویتی شدت بخشید، سیاست «استیثار» عثمان بود. استیثار یعنی مقدم‌داشتن خود و وابستگان خود در بهره‌گیری از منابع. حضرت در خطبه ۳۰ نهج‌البلاغه به این سیاست اشاره می‌کند: «استاثر فاساء الاثره؛ او به انحصارطلبی روی آورد و در آن بد پیش رفت». برابر با شماری از روایات، امام علی علیه السلام پیش از تکیه‌زدن بر مسند خلافت نیز در مقابل تبعیضات حکومت، موضع‌گیری داشته است (کلینی، ج ۵، ص ۳۱۸).

امام در مقابل این شکاف طبقاتی عظیم و سیاست‌های مخرب و نهادینه‌شده که هویت دینی را تهدید می‌کرد قرار داشت. آن بزرگوار برای مقابله با این پدیده در زمان حکومت سه گام اساسی برداشت: اعلام سیاست مساوات، اجرای قاطعانه این سیاست و تلاش در راه برافکندن توجیحات دینی کسب امتیازات اجتماعی.

نمودار ۳. فرایند همسازی امتیازات اجتماعی در مدینه الوسی

همسازی امتیازات اجتماعی	برافکندن توجهات دینی کسب امتیازات	اجرای قاطعانه این سیاست	اعلام سیاست مساوات
-------------------------------	--	----------------------------------	-----------------------

۳-۲-۳. مجموعه‌نگری و پرهیز از نگاه تک‌ساحتی

نگرش نظام‌وار به معرفت دینی و تلقی منظومه‌ای از حیات بشری - یعنی تجزیه و تحلیل اجزای جامعه انسانی در نسبت با یکدیگر و تبیین کل جامعه به‌عنوان یک مجموعه پویا و هدفمند - یکی از مبادی تفکیک‌ناپذیر اندیشه امیر مؤمنان علیه السلام است. تفکیک‌ناپذیری این امور از یکدیگر سبب می‌شود در «زیست مؤمنانه» دنیا و آخرت از یکدیگر منقطع تلقی نشود، نوع نگاه انسان به زندگی هدف‌دار و متعالی گردد، و اهمیت هر کدام از مؤلفه‌ها را در جای خویش دریابد. از دید امام علیه السلام نمی‌توان با ادعای زهد، فقر را مباح جلوه داد و آن را پذیرفت. امام خود و نیز کارگزاران خود را موظف می‌داند که به فقر جامعه حساس باشند و با علل و ریشه‌ها و نیز هم‌زمان، نشانه‌ها و برون‌دادهای فقر مبارزه کنند. در نامه ۵۳ نهج البلاغه رعایت حال این دسته از مردم مورد تأکید قرار گرفته شده است.

جدول ۳. تمایزشناسی رویکرد «مجموعه‌نگر» و «تک‌ساحتی» به هویت دینی

رویکرد تک‌ساحتی به هویت دینی	رویکرد مجموعه‌نگر به هویت دینی
1. نگرش جزء نگر به معرفت دینی	1. نگرش نظام‌وار به معرفت دینی
2. تلقی حداقلی و سطحی از حیات بشری	2. تلقی منظومه‌ای از حیات بشری
3. انقطاع هویتی دوگانه‌های دنیا و آخرت و هرگز و زندگی	3. پیوند هویتی دوگانه‌های دنیا و آخرت و هرگز و زندگی

سیره حضرت امیر علیه السلام چنین می‌نماید که هرگاه ایشان از نبرد فراغت پیدا می‌کرد، به آموزش مردم و داوری در میان آنان می‌پرداخت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۶).
 امام باقر علیه السلام در توصیف این رفتار حضرت می‌فرماید: «هنگام طلوع خورشید، تهی‌دستان و مستمندان و دیگر قشرهای مردم، نزد امیر مؤمنان جمع می‌شدند و ایشان به آنان، دین‌شناسی و قرآن می‌آموخت و در ساعتی خاص، از این جلسه برمی‌خاست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۴، ص ۳۳۵).

این نگاه مجموعه‌نگر در هیچ‌یک از جریانات غیراصیل مشابهی ندارد و اساساً یکی از مشکلات و معضلاتی که انحرافات آنان را عمیق‌تر و بحرانی‌تر می‌کرد، نگاه تک‌ساحتی بود؛ برای مثال «شتاب غیر مدبرانه» خلفا در اتخاذ رویکرد گسترش فتوحات درحالی‌که هنوز روح ایمان در افراد جامعه نهادینه نشده و هویت دینی، پایداری و مانایی لازم را کسب نکرده بود، روح قبیله‌ای را احیا کرد که اقتضای آن این بود که قبیله را قبل از امت و فرد را قبل از جمع ببیند (خاکرند، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹) و لغزش بسیاری از مسلمانان را در پی داشت.

نتیجه‌گیری

امیر مؤمنان علیه السلام به‌روشنی می‌دانست که جامعه اسلامی پس از رحلت رسول‌الله صلی الله علیه و آله از تحولات و دگرگونی‌هایی متأثر بوده است که هویت دینی را در خطر افول قرار داده است. معیار امام برای مداخله مستقیم با تهدیدهای هویتی، دو چیز بود: «رویاری با عقاید و سنت‌های باطل» و «تقابل با توطئه‌گری معرفتی». امام با درک به‌موقع این بحران هویتی در عرصه دین؛ درصدد مواجهه با آن برآمد. از نظرگاه امام در دو ساحت مبنایی و رویکردی باید الزاماتی را در این مواجهه مدنظر قرارداد. از دیدگاه حضرت سه عنصر «معرفت‌دهی»، «ابتنای بر فطرت» و «حق‌مداری» مهم‌ترین عوامل بنیادین هویت‌ساز دینی می‌باشند. بررسی سلوک رفتاری و اندیشه قدسی امام چنین می‌رساند که از حیث رویکردی در مواجهه با تهدیدهای هویتی باید هویت دینی را چندبعدی نگریست و به دو سطح انتزاعی و عینی نیز اتمام داشت. از دیدگاه امام پرهیز از رویکرد تک‌ساحتی

به دین کمک شایانی به صیانت هویتی از دین می‌کند. در پایان می‌سزد مسائل قابل تأمل در پیوند میان منظومه فکری امیر مؤمنان علیه السلام و هویت دینی به علاقه‌مندان کاوش در این زمینه ارائه شود. امید داریم که در روزگاری نه‌چندان دور، سرانجام در بررسی‌های دیگر محققان، ابعاد دیگر این مسئله را به شکلی محققانه و از چشم‌اندازهای گوناگون مورد مذاقه قرار دهند.

جدول پیشنهادات موضوعات مرتبط با مسئله	
ردیف	عنوان
۱	سبک‌شناسی مواجهه امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> با منزلت‌سازی کاذب برای تهدیدگران هویت دینی
۲	نقش دینی جلوه‌دادن تهدیدهای هویتی در عرصه دین در مواجهه با امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small>
۳	فرایندشناسی مواجهه امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> با توجیهاات دینی تعلقات دنیایی
۴	مهندسی صیانت از «هویت دینی» از نظرگاه امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> با تأکید بر نهج‌البلاغه
۵	منابع هویت‌بخش دینی از نظرگاه امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> با تأکید بر نهج‌البلاغه
۶	مدل مطلوب مواجهه با تهدیدهای هویتی در عرصه مدیریت اسلامی مبتنی بر سلوک و اندیشه امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small>
۷	ساحت‌شناسی تهدیدهای هویتی در عرصه فرهنگی از نظرگاه امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> در نهج‌البلاغه
۸	نقش قرآن کریم در صیانت هویتی از اسلام از نظرگاه امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> با تأکید بر نهج‌البلاغه
۹	جایگاه انسان کامل در هویت‌سازی دینی از نظرگاه امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> با تأکید بر نهج‌البلاغه
۱۰	نقش عالمان در مواجهه با تهدیدهای هویتی در عرصه دین در منظومه فکری امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small>

فهرست منابع

* قرآن کریم

- * نهج البلاغه. (۱۳۶۸). شریف الرضی (مترجم: علی نقی فیض الاسلام اصفهانی). تهران: فقیه.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه (محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۱، ۱۰ و ۱۸). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته.
 ۲. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر. (بی تا). بلاغات النساء (چاپ اول). قم: الشریف الرضی.
 ۳. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). العقد الفريد (محقق: عبدالمجید ترحینی، ج ۵). بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۴. ابن کثیر دمشقی، عماد الدین اسماعیل. (بی تا). البدايه و النهايه (ج ۸). بیروت: دارالفکر.
 ۵. ابو عبدالله محمد بن سعد (ابن سعد کاتب واقدي). (۱۴۱۸ق). الطبقات الكبرى (ج ۲، چاپ دوم). بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۶. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۳). مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت، گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی. مطالعات راهبری، ۷(۲۵)، صص ۴۲۵-۴۵۱.
 ۷. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف (ج ۱ و ۲). بیروت: دار الفکر.
 ۸. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۸۸م). فتوح البلدان. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
 ۹. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۷). مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۰. ثنائی، مجتهدی. (۱۳۹۷). زمینه‌های پیدایش قرآن بسندگی در میان قاریان صدر اسلام. سفینه، ۵۹(۵)، صص ۴۷-۶۵.
 ۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). تفسیر انسان به انسان. قم: اسراء.
 ۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). سیره پیامبران در قرآن. قم: اسراء.
 ۱۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). تفسیر تسنیم (ج ۳، چاپ سوم). قم: اسراء.

۱۴. حاجی زاده، یدالله. (۱۳۹۸). تقسیم مساوی بیت‌المال در سیره امام علی علیه السلام و واکاوی علل آن. پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۸(۶۱)، صص ۵۳-۶۶.
۱۵. حسینی، سیدعباس؛ پارسانیا، حمید و خان‌محمدی، کریم. (۱۳۹۹). بازتاب فطرت در نظریه فرهنگی آیت‌الله جوادی آملی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۳۰)، صص ۸-۳۴.
۱۶. خاکرند، شکرالله. (۱۳۷۹). موقعیت‌یابی اشراف قبیله‌ای (رهبران رده) در دوران خلفای راشدین با تکیه بر نقش اشعث بن قیس کندی در حکومت علی علیه السلام. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲(۲۲-۲۳)، صص ۱۱۵-۱۴۰.
۱۷. دلال موسوی، محمد؛ حسین‌زاده، مهدیه‌سادات. (۱۳۹۱). وحی قرآنی و وحی بیانی. قم: دانشکده اصول دین.
۱۸. ریاحی، موسوی. (۱۳۹۵). تأثیر هوای نفس در فتنه‌های عصر امام علی علیه السلام. پژوهش‌های اخلاقی، ۱(۱۷)، صص ۷۵-۹۲.
۱۹. زروندی، یاری. (۱۳۹۶). کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی. مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱(۸۵)، صص ۱۱۷-۱۴۴.
۲۰. طبری، محمد بن جریر طبری. (۱۳۸۷). تاریخ الأمم و الملوك (ج ۴). بیروت: دار التراث.
۲۱. عرفان، امیرمحسن. (۱۳۹۸). سبک‌شناسی مواجهه امام علی علیه السلام با گسست‌های فعال اجتماعی. علوم سیاسی، ۲۲(۸۵)، صص ۱۱۹-۱۴۲.
۲۲. عسکری، مرتضی. (۱۳۸۲). نقش ائمه در احیای دین (ج ۲). تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۲۳. عسکری، مرتضی. (۱۴۲۵ق). أحادیث أم المؤمنین عائشة (ج ۲). قم: اصول‌الدین.
۲۴. علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۶). هویت از منظر قرآن و فلاسفه. بینات، ۱۴(۵۵)، صص ۲۰۸-۲۳۰.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (محققان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۵، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامية
۲۶. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، همکاری کارن بردسال (مترجم: حسن چاوشیان، چاپ اول). تهران: نشر نی

۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ج ۳۲، ۳۴، ۳۶ و ۱۰۰، چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مجموعه آثار (ج ۳۰، چاپ هفتم). تهران: صدرا.
۲۹. معادیخواه، عبدالمجید. (۱۳۷۹). خورشید بی غروب (ترجمه نهج البلاغه). تهران: نشر ذره.
۳۰. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (محقق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول). قم: کنگره شیخ مفید.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۱۲، چاپ دهم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۲. منقری، نصر بن مزاحم. (۱۳۷۰). پیکار صفین (ترجمه وقعه الصفین) (مترجم: پرویز اتابکی، چاپ دوم). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۳. منقری، نصر بن مزاحم. (۱۴۰۴ق). وقعه الصفین (محقق و مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، چاپ دوم). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳۴. نظری، نصرالله. (۱۳۹۵). ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب اجتماعی از منظر اسلام. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۵. هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی (محقق: محمد انصاری زنجانی خوئینی، چاپ اول). قم: الهادی.
۳۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (بی تا). تاریخ الیعقوبی (ج ۲). قم: اهل البيت علیهم السلام.

References

*Holy Quran

*Nahj al-Balagha. (1386 AP). (A, N, Faiz al-Islam Isfahani, Trans).
Tehran: Faqih.

1. Abu Abdullah Muhammad bin Saad. (1418 AH). *Tabaqat al-Kubra* (2nd ed., Vol. 2). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
2. Alamolhoda, J. (1386 AP). Identity from the perspective of the Qur'an and philosophers. *Bayannat*, 14(55), pp. 208-230. [In Persian]
3. al-Baladhari, A. (1417 AH). *Ansab al-Ashraf* (Vols. 1 & 2). Beirut: Dar al-Fakr. [In Arabic]
4. al-Baladhari, A. (1988). *Fotuh al-Baldan*. Beirut: Dar al-Hilal. [In Arabic]
5. al-Kulayni. (1407 AH). *al-Kafi* (A. A. Ghafari & M. Akhundi, Eds., 4th ed., Vol. 4.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
6. Allamah Majlesi. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (2nd ed., Vols. 32, 34, 36 & 100). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
7. Askari, M. (1382 AP). *The role of imams in the revival of religion* (Vol. 2). Tehran: Munir.
8. Askari, M. (1425 AH). *Hadiths of Umm al-Mu'minin Aisha* (Vol. 2). Qom: Osul al-ddin. [In Arabic]
9. Dalal Mousavi, M., & Hosseinzadeh, M. (1391 AP). *Quranic revelation and verbal revelation*. Qom: School of Principles of Religion. [In Persian]
10. Eftekhari, A. (1383 AP). Discourse boundaries of the Islamic theory of security, passing from the Jahili society to the Islamic society. *Management Studies*, 7(25), pp. 425-451. [In Persian]
11. Erfan, A. M. (1382 AP). Stylistics of Imam Ali's encounter with active social disruptions. *Political Science*, 22(85), pp. 119-142. [In Persian]
12. Giddens, A. (1386 AP). *Sociology, collaboration with Karen Birdsall* (H. Chavoshian, Trans., Vol. 1). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
13. Hajizadeh, Y. (1398 AP). Equal division of wealth in the biography of Imam Ali and analysis of its causes. *Nahj al-Balagha Researches*, 18(61), pp. 53-66. [In Persian]

14. Helali, S. (1405 AH). *The book of Salim bin Qays al-Hilali* (M. Ansari Zanjani Khoini, Ed., Vol. 1). Qom: al-Hadi. [In Arabic]
15. Hoseini, A., Parsania, H., & Khanmohammadi, K. (1399 AP). The reflection of nature in the cultural theory of Ayatollah Javadi Amoli. *Islam and Social Studies*, 8(30), pp. 8-34. [In Persian]
16. Ibn Abd Rabbah, A. (1407AH). *al-Aqd al-Farid* (A. M. Tarhini, ed., Vol. 5). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
17. Ibn Abi al-Hadid, A. H. (1385 AP). *Description of Nahj al-Balagha* (I. Mohamad Abolfazl ed., Vols. 1, 10 & 18). Qom: Ayatollah Murashi Najafi library. [In Arabic]
18. Ibn Kathir Dameshqi, I. (n.d.). *al-Bidaya wa-l-Nihaya* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
19. Ibn Teifur, A. (n.d.). *Belaqat-al Nisa* (Vol. 1). Qom: Al-Sharif al-Razi. [In Arabic]
20. Javadi Amoli, A. (1384 AP). *Human to human interpretation*. Qom: Esra. [In Persian]
21. Javadi Amoli, A. (1393 AP). *Tafsir Tasnim* (3rd ed., Vol. 3). Qom: Esra. [In Persian]
22. Javadi Amoli, Abdullah. (1391 AP). *The biography of the prophets in the Qur'an*. Qom: Esra. [In Persian]
23. Khakrand, Sh. (1379 AP). Positioning of tribal nobles (class leaders) during the era of Rashidin caliphs based on the role of Ash'ath bin Qays Kandi in Ali's rule. *Faculty of Literature and Humanities (University of Isfahan)*, 2(22-23), pp. 115-140. [In Persian]
24. Ma'adikhah, A. M. (1379 AP). *Sunless Sun* (translation of Nahj al-Balagha). Tehran: Zareh. [In Persian]
25. Makarem Shirazi, N. (1371 AP). *Tafsir Nemooneh* (Vol. 12), (10th ed). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
26. Manqari, N. (1370 AP). *Peikar Siffin* (translation of Battle of Siffin) (2nd ed., P. Atabaki, Trans.). Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization. [In Persian]

27. Manqari, N. (1404 AH). *Peykar al-Safin* (H. Abdulsalam Muhammad, Ed., Vol. 2). Qom: Ayatollah al-Marashi Al-Najafi Library. [In Arabic]
28. Motahari, M. (1384 AP). *Collection of works* (7th ed., Vol. 30). Tehran: Sadra. [In Persian]
29. Nazari, N. (1395 AP). *Desirable social values and norms from the perspective of Islam*. Qom: Islamic Science and Culture Academy. [In Persian]
30. Pourezat, A. A. (1387 AP). *The coordinates of the rightful government in the light of Imam Ali's Nahj al-Balagha*. Tehran: Elmi Farhangi Publishing Co. [In Persian]
31. Riahi, M. A., Mousavi, S. R. (1395 AP). The influence of the air of the soul in the seditions of the age of Imam Ali. *Ethical Research*, 7(1), pp. 75-92. [In Persian]
32. Sanaei, H. R., Mujtahidi, M. (1397 AP). The contexts of the emergence of the Qur'an among the early readers of Islam. *Safina*, (59), pp. 47-65. [In Persian]
33. Shaykh Mufid. (1413 AH). *al-Irshad fi ma'rifat hujaj Allah 'ala l-'ibad* (Vol.1.). Qom: Shaykh Mufid Congress. [In Arabic]
34. Tabari, M. (1387 AP). *History of Nations and Kings* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
35. Yaqoubi, A. (n.d.). *The history of al-yaqoubi* (Vol. 2). Qom: Ahl al-Bayt. [In Arabic]
36. Zarvandi, M., Yari, M. (1396 AP). Autopsy of threats with emphasis on the concept of national security. *Defensive Researches and Management*, (85), pp. 117-144. [In Persian]